

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

امیرخوشحال^۱

فریدون شایسته^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱۴

تاریخ تصویب: ۹۴/۰۷/۲۰

چکیده

هدف آن است که نهضت مشروطه را از نگاه پژوهش‌گران که دارای ماهیت، تاریخی- اجتماعی بوده است با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و از طریق مطالعات مختلف، بصورت نوشتاری با مراجعه به منابع دست اول و دوم، بررسی شود؛ تا با روشن شدن دلایل نهضت مشروطه در جامعه بسته آن روز ایران، به طور خلاصه به چگونگی وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن، ناکامی آن در طول تاریخ معاصر بهتر و عمیق‌تر آشنا شده باشیم با امیدواری این که این مقاله تا حد امکان توانسته باشد افق جدیدی را در این گونه مباحث در پیش روی خوانندگان بگشاید. نهضت مشروطه را باید نقطه عطفی در مبارزات سیاسی اجتماعی دوران معاصر دانست، در این دوره جامعه ایرانی رستاخیز بزرگی را ایجاد و بسط قانون، عدالت و برابری اجتماعی را آغاز کرد تا زمان رقابت کشورهای استعماری روس و انگلیس نهضت توانست رشد و شتاب فزاینده‌ای را آغاز کند ولی انعقاد قرار داد ۱۹۰۷ بین دولت های مذکور به جهت هراس از قدرت روز افزون آلمان، موجب گردید که دگر باره رجال کهنه گرا و مستبد دستگاه سلطنت قاجار بعد از به توپ بستن مجلس اول و تعطیلی مجلس دوم بر مرده ریگ مشروطه چنگ اندازند و با قبای مشروطه همان روش های جابرانه پیشین را باز تولیدکنند ولی پیام ها و اهداف انقلاب مردمی مشروطه هیچ گاه به عالم فراموشی سپرده نشد با تقویت روح بیداری و ایجاد عرق ملی در غالب ناسیونالیسم ایرانی، ملت را برای تحقق آزادی، عدالت اجتماعی و دستیابی به ایجاد حاکمیت ملی تحریک و تشویق کرد هم چنین مشروطه توانست زنان ایرانی را از کنج انزوا و عزلت به عرصه جامعه بکشاند.

واژگان کلیدی: نهضت مشروطه، اهداف مشروطیت، موفقیت مشروطیت، ناکامی مشروطیت.

۱- کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی khoshhal54@gmail.com

۲ دکتری تاریخ f.shayesteh99@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

این امر مسلم است که مردم در هر انقلابی و در هر کشوری، وبا هر آیینی که دارند ناراضی‌اند، اما در کشوری کمتر و در کشوری زیاده‌تر، و به عقیده بسیاری از متفکرین هدف مردم جهان از جنگ‌ها و خونریزی‌ها و دسته‌بندی‌ها چیزی نیست جز وصول به آزادی، و این وصول در سایه آب زلال دانش، بوجود می‌آید. اما در ایران پس از سال ۱۳۳۵ (ه.ق) که مقارن بود با اولین سفرهای اعزام دانشجویان به خارج از کشور، در واقع اولین پایه‌ها و قدم‌های رسیدن به دانش در ایران فراهم شد، این دانشجویان که تعداد آنها تقریباً انگشت‌شمار بودند، منشاء خدمات بزرگی برای ایران و ایرانیان شدند که بعدها هسته و بنیاد انقلاب مشروطیت را بنا کردند (رضوانی، ۱۳۵۸: ۹۰).

اگر قیام‌ها و نهضت‌های تاریخی مردم ایران در مقام شورش‌های سلبی قلمداد شود جای انکار نیست زیرا این شورش‌ها در پی تحقق هدف اقلی بودند و هدف ناچیز و کم‌ارزشی را طلب می‌کردند ولی نهضت مشروطیت با همه شورش‌های ادوار تاریخی متفاوت است زیرا آن را باید دارای مشی‌ایجابی دانست. در این نهضت برای اولین بار ایرانیان اهداف متعالی و ارزشمندی را طلب می‌کردند: قانون، تنظیم بودجه، تهدید قدرت شاه، شاهزادگان و درباریان، ایجاد و تعمیم مدارس جدید، پذیرش آزادی بیان، مخالفت با سانسور نشریات، تشکیل دولت ملی، و تحقق حاکمیت ملی، دفع سلطه استبداد داخلی و استعمار خارجی و به طور کلی امنیت، قانون، ملیت وطن، آزاد، پیشرفت مادی، اصلاح حکومت، دموکراسی، جمهوری و مشروطیت از عمده‌ترین مطالبات ملت ایران محسوب می‌گردید (تاجیک، ۱۳۸۲: ۸۳).

نهضت مشروطیت معلول عوامل مختلفی بود که ائتلاف آن عوامل، به تدریج زمینه ساز نهضت مشروطیت گردید که این عوامل عبارت بودند از:

۱- از دست رفتن ایالت‌های حاصلخیز ایران توسط روس و انگلیس؛ ۲- امتیاز دادن به خارجی‌ها و دریافت قرض برای خوشگذرانی شاهان قاجار، ۳- ستمگری شاهان و درباریان و حکام ولایات که همان کار شاه را با مردمانش می‌کرد، ۴- نحوه قضاوت و اجرای عدالت که در دست روحانیون بود، ۵- جنگ روس و ژاپن که شکست روس از ژاپن باعث یک نوع انفعال و شرمندگی و احساس حقارت در ایرانی‌ها بود (رضوانی، ۱۳۵۸: ۶۸). ۶- الغای امتیاز تنباکو در سال ۱۳۰۳ ق. ۷- گسترش نشریات و روزنامه‌های ضد

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

دولتی و همه گیر شدن نارضایی از حکومت در میان مردم و علما(حائری، ۱۳۶۴: ۵۵)؛ ۸- نوسازی دستگاه اداری بویژه در امور مالی و امور مربوط به نظم و قانون و ...؛ ۹- ایجاد روابط دیپلماتیک با کشورهای غربی با اعزام محصلین به اروپا، وتأسیس دارالفنون،(کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۱۶)؛ ۱۰- جنبش آزادی خواهی و مشروطه طلبی در برخی از کشورهای جهان و همسایه ایران؛ ۱۱- نهضت ترجمه و آشنایی برخی از ایرانیان با بعضی از متون و آزادی منورالفکران اروپایی، ۱۲- افزایش شکل گیری انجمن ها و مدارس جدید و اندیشه ها و اقدامات اصلاحی و نوگرایانه گروهی از نیروهای مذهبی و غیرمذهبی در ایران (آجدانی، ۱۳۸۵: ۱۹)؛ ۱۳- مقاومت دلاورانه بویژه در ترانسوال آفریقای جنوبی بر ضد انگلیس در جنگهای (۱۹۰۲-۱۸۹۹)؛ ۱۴- رقابت بین قدرتهای آن زمان (روس و انگلیس) و برخورد سودجوییهای و سوداگریهای آنها در ایران بخصوص بعد از قرارداد ۱۹۰۷ این دولتین(حائری، ۱۳۶۴: ۵۵)؛ ۱۵- ناکارآمدی فرایند نظام سلطانی و آشنایی فزاینده ایرانیان با دیار فرنگ زمینه بروز و ظهور تدریجی آثار و علایم یک نوع فروپاشی تریجی قدرت حاکم و شکل گیری نوعی نظام دانایی متفاوت را درآستانه جنبش مشروطیت فراهم آورد؛ ۱۶- یکی دیگر از عوامل انقلاب مشروطه مظفرالدین شاه بود که با اتخاذ سیاست لیرالی امیدوار بود مخالفت های مردم را فرو نشاند ولی این لیبرالیسم که همزمان با نفوذ گسترده غرب در ایران بود، فقط مخالفان را به تشکیل سازمانهای نیمه مخفی تشویق کرد و ...جامعه را از خوب گران و سنگین بیدار کرد و روح بیداری را درکالبد به خواب رفته ایران دمید.

حال این مقاله خواهدکوشید تا به این سوالات پاسخ دهدکه آیا نهضت مشروطیت توانست تمامی اهدافش را محقق سازد و یا در پاره ای از موارد ناکام ماند، اگر موفقیتی حاصل شد سبب آن چه بود و اگر هم مشروطیت را در ایران ناکارا و فاقد کارایی بدانیم باز چه عواملی سبب ساز آن شدند؟ هم چنین ما در این مقاله برآنیم تا پیامدهای مثبت و منفی مشروطیت ایران را مورد بحث و بررسی قرار دهیم؟

روش تحقیق

این مقاله که به روش تاریخی-تطبیقی نگاشته شده هدفش، بازسازی گذشته در زمینه چند فرضیه ای است که در زمان حال تدوین می شود و "دستیابی به این اهداف مستلزم جمع آوری اطلاعات به صورت منظم و عینی، ارزش یابی و تلفیق اسناد و مدارک و بالاخره رسیدن به نتایج قابل دفاع است" (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۳۴) با توجه به مطالب گفته شده من در روش تاریخی خودم سعی کردم به گردآوری آثار و ردیابی وقایعی بپردازم که از طریق آنها بهتر بتوانم به شواهد مفروضات و سوالات تحقیق خودم دست بیابم، در این روش از منابع

مکتوبی استفاده کردم که بیشتر به صورت اسناد و شواهد بوده و "چون یک محقق تاریخی از منابع دسته دوم و یا ترکیبی از انواع داده ها بهره می گیرد(ایمان، ۱۳۸۸: ۴۰۳) بنابراین من هم سعی کردم از ترکیب منابع دسته دوم و اول(کمتر) استفاده کنم، چون منابع دسته دوم شامل داده‌هایی است که بازگو کننده و گزارش کنندگان آن(کتبی یا شفاهی) به طور مستقل آنها را مشاهده نکرده و به نقل قول از شخص دیگری رویدادها را توصیف کرده مانند کتابهای تاریخی.

پایایی و روایی تحقیق

در تحقیق تاریخی، تأیید و سوگیری از اهمیت شایانی بر خورداراست یعنی هر گاه چند منبع به طور یکسان به مجموعه ای از واقعیات اشاره کنند اعتماد یک محقق به طور قابل ملاحظه ای از آن بیشتر می-شود و نیز نباید در منابع سوگیری وجهت گیری خاصی به نفع یا به ضرر کسی یا جریانی وجود داشته باشد، بنابراین پس برای این تحقیق و برای تأیید آن ابتدا از انتقاد بیرونی استفاده کردم چون "برای پی بردن به انتقاد بیرونی که همان ماهیت منابع است به اصلی بودن مدارک و نویسنده آن و زمان نوشتار آن بیشتر توجه می‌شود.(سرمد و بازرگان، حجازی ۱۳۷۶: ۱۲۵) بنابراین من هم در تحقیقات خودم سعی کردم این سه فاکتور را رعایت کنم و در انتقاد درونی هم که محتوای مدارک و منابع را بررسی می‌کند که شامل زمان و مکان نوشتار مورد نظر است (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۴۱) سعی و کوشش کردم در تعیین منابع مورد نظر معقول بودن آن را بیشتر مورد توجه قرار دهم.

زمینه های ظهور انقلاب مشروطیت

ایرانی ها که هنوز خود را کشوری قدرتمندی می‌دانستند و بخاطر همین سعی می‌کردند ساختار ایلی خود را حفظ کنند بعد از شکستهای پی در پی از روسیه و واگذاری بخش بزرگی از سرزمین حاصلخیز و سرسبزمان به آنها(در عهدنامه گلستان و ترکمن‌چای) تازه فهمیدند که در خواب زمستانی فرو افتاده‌اند، زیرا پی بردند که شهرها از رونق افتاده و روستائیان فقیر و درمانده شده بنابراین ناگهان تکان سختی خوردند و این باعث خود آگاهی بخش بزرگی از جامعه چه از طبقات بالا و چه پایین شد که باعث جرقه های امیدی در آن ظاهر گردد؛

پس در پایان قرن نوزدهم تغییراتی در قشر بندهای طبقات مختلف مردم و حاکمان بوجود آمد، به این ترتیب که با افزایش تدریجی جمعیت شهرها و رشد شهر نشینی و نیز با فروش زمین‌های دولتی(بخاطر

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

مشکلات مالی داخلی و نظامی و خارجی) زمین‌داران بزرگی از میان طبقه تجار و دیگران وارد میدان شدند و فتودالیسم شهری را بوجود آوردند و از سوی دیگر همین تجار، بنیانگذار یک نوع برژوازی ملی شدند و با همکاری درس خوانده ها که تعدادشان روز افزون شده بود(که این نتیجه کوشش های اصلاحی امیر کبیر صورت گرفته بود) و نیز با آغاز نهضت ترجمه(که توسط عباس میرزا در ایران آغاز شده بود) و ترجمه کتابهای گوناگون برای دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی و از سویی دیگر کنجکاوای درس خوانده‌ها برای آگاهی بیشتر از اوضاع تاریخی و اجتماعی اروپا روز افزون شد و از علت العمل انقلاب و ریشه اصلی آن ستمگری بی حد و بی‌اندازه‌ای بود که در پادشاهی قاجارها در کشور رواج گرفته بود و نیز تأسیس مدارس جدید بخصوص بعد از دوره ناصرالدین شاه که هدف اولیه آن تربیت مأموران مجرب و مطلع برای وزرای خارجه بود و انتشار روزنامه‌هایی که مایه تحول عظیمی در اندیشه های ایرانیان شد که امثال این روزنامه ها عبارت است از: اخبار، قانون و وقایع اتفاقیه و شرف و اطلاع از روزنامه‌های غیردولتی تربیت و کتب انقلابی نظیر مرحوم طالبوف تبریزی و زین العابدین مراغه‌ای در پیدایش انقلاب بسیار مؤثر بودند(بهنام، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

اغلب نویسندگان تاریخ مشروطیت، سه طبقه روشنفکر و روحانی و بازرگانان را از عناصر اصلی قیام مشروطیت معرفی کرده‌اند، البته کسروی روشنفکران و نواندیشان را کمی بی‌اطلاع از اروپا معرفی می‌کند و به ناگاه می‌کند و طبقه روحانیون را هم که پیشگامی را به گردن گرفته بودند به دو دسته تقسیم می‌کند دسته‌ای طرفدار مشروطه و دسته‌ای دیگر طرفدار دربار بودند و از طبقه بازرگانان نامی نمی‌برد بلکه از مردمی نام می‌برد که از مشروطه هیچ نمی‌دانستند و به کشور و توده هم دلبستگی نداشتند و درآمدشان به مشروطه خواهی، آرزوی رواج شریعت و پیشرفت دستگاه خودشان بود و سپس اینان بودند که عنوان مشروعه را به میان آوردند و دیر یا زود از میان مشروطه خواهان به کنار رفتند.(کسروی، ۱۳۸۵: ۲۷۳) در این دوره روحانیون چه در داخل و چه در خارج(نجف) تا قبل از استبداد صغیر در انتقاد از استبداد مطلقه حکومت، اعتراض به استقراض خارجی، مخالفت با اعطای امتیاز به کشورهای خارجی و نفوذ آنان در ایران و محکوم کردن پریشانی های اقتصادی ایران و تعدی به رعایا و دفاع همه جانبه از مشروطیت و مجلس شورای ملی تا قبل از انهدام آن، یکی از عوامل مهم در فراهم آوردن زمینه های لازم برای گسترش مشارکت مردم در انقلاب مشروطیت، و بعد از آن، و تضعیف حکومت قاجاریه بود(آجدانی، ۱۳۸۵: ۹۱)

روشن‌فکران این دوره اعم از درس خوانده‌ها و سیاست مداران مذهبی و غیرمذهبی و تجار و تمام طبقات حاکم، در این زمان رهبری سیاسی روحانیون را پذیرفتند و سعی کردند برای رهایی از سانسور و اختناق و نیز

قدرت و نفوذ روحانیون که بر ذهنیت مذهبی جامعه ی سنتی تسلط داشتند، تلاش کردند که مسایل نظری مربوط به اندیشه آزادی خواهی و تجدد و دموکراسی را در لباس مذهب و مستند به آیات و احادیث ارائه دهند تا از مخالفت این جناح بکاهند (آجدانی، ۱۳۸۷: ۲۲۵)

اما این همدلی با ماجرای شیخ فضل الله و اعدام او، و به قتل رساندن بهبهانی از هم پاشید، و آن سرآغاز شکاف و اختلاف بین روحانیت و جریان روشن فکری، یا لیبرالیسم و اسلام گرایی و رویارویی بین آنها در مراحل بعدی به شمار می آمد (طلوعی، ۱۳۷۴: ۸۰۷) و بیشتر این اختلاف و رویارویی بین روحانیون و روشن فکران روی اصل هشتم قانون اساسی که دلالت بر برابری اهل مملکت ایران در مقابل قانون اساسی و اختلاف بعدی درباره مفهوم آزادی و تعیین قلمرو آن بود (آجدانی، ۱۳۸۶: ۱۵۵) در واقع در این عصر روشن فکران به دنبال اجرای قانون در بعد اجتماعی آن بودند اما علما خواهان اجرای قانون در بعد شریعت بودند (قیصری، ۱۳۸۱: ۲۹)

اهداف مشروطه خواهان و دلایل ناکامی در این اهداف

یکی از عمده ترین اهداف مشروطه خواهان ایجاد و تنظیم بود در این راه هیچ کس را نمی توان با میرزا یوسف خان مستشارالدوله که کتاب یک کلمه را نوشت و میرزا ملکم خان ناظم الدوله که روزنامه قانون را در لندن منتشر کرد و وجود مردان بزرگی از جمله میرزاتقی خان فراهانی (امیر کبیر) و سید جمال الدین اسدآبادی و... در روشن شدن افکار ایرانیان و بیداری و ظهور دانش ایرانیان مؤثر و دخیل بودند.

طرح قانون از سوی روشن فکران ایرانی از واپسین ایام سلطنت ناصرالدین شاه شروع شد و در دوره سلطنت مظفرالدین شاه به اوج رسید، در کنار قانون خواهی، مردم عادی از مشروطیت انتظار داشتند که مشروطه فقر و گرسنگی را از جامعه محو کند و امکانات عادی زندگی را در اختیار آنان قرار دهد آنان سودای ریاست و سروری را در سر نداشتند بلکه خواهان رسیدن و دستیابی به حداقل امکانات برای تأمین یک رنگی آبرومندانه بودند.

در این دوره علاقه و تمایل علمای مخالف استبداد مطلقه، به انجام برخی اصلاحات و اقدامات و اهداف ترقی خواهانه که روشن فکران نیز به عنوان اهداف مشترک بر آنان تأکید داشتند و نیز آگاهی غالب این گروه از علما به وجود برخی مغایرت های ذاتی کارگروه های دموکراسی به شیوه غربی آن با شریعت دینی و اختیارات روحانی از جمله مهمترین علل زمینه های همکاری متقابل گروهی از علما با روشن فکران در مقاطعی از روند نهضت مشروطیت ایران را فراهم آورد (حائری، ۱۳۶۴: ۱۱۴)

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

در این دوران مجلس مردم را به شش طبقه تقسیم کرد: شاهزادگان، اشراف، روحانیون، بازرگانان، زمین-داران، کشاورزان و پیشه‌وران که هر یک طبقه طبق قانون انتخابات اولیه حق داشتند شماری نماینده به مجلس بفرستند مجلس اول و دوم با از میان برداشتن تیول‌داران و امتیازات اشرافی و ایجاد بوروکراسی جدید از طریق تصویب قانون دیوان محاسبات عمومی در زمینه درآمدها و هزینه های دولت و تصویب قانون ثبت اسناد و املاک و تصویب قانون تشکیل ایالت و انجمن‌های محلی و نیز پیشنهاد نظام وظیفه عمومی و توزیع املاک اربابی میان دهقانان و تفکیک وظایف دینی و سیاسی و موارد دیگر در پی ساخت دولت جدید برآمدند، اما شروع جنگ جهانی اول و دخالت بیگانگان در ایران و جنگ و نابسامانی و گرایش‌های گریز از مرکز و شورش‌های محلی نتوانست به کارکردهای اصلی خود دست یابد و با تعطیل مجلس سوم عملاً همه کارهای این مجلس و تشکیلات دولت جدید در دوره پهلوی روی داد (بشیریه، ۱۳۸۹: ۶۴)

با این حال با آغاز به کار مجلس در ایران جامعه به سرعت به سنت آشوبگرانه خود که طی قرن‌ها با آن آشنا بود روی آورد، ایران و ایرانیان در این زمان از یک طرف با برداشت نادرست از مشروطه از طرف روشن-فکران و آزادی بی‌حد و حصر بیان و آشوب در عرصه های سیاسی و روزنامه نگاری و نیز دخالت کشورهای بیگانه بخصوص روسیه، ناکارآمدی و بی اطلاعی خود نمایندگان، محدودیت های ناشی از قانون اساسی، افزایش امتیازات ریشه دار صدراعظم‌ها، برتری منافع و مصالح خویش نسبت به منافع ملت، رودررویی با نظام حاکم سنتی ایران (ازغندی، ۱۳۷۴: ۷۳۱) و همچنین نداشتن درک معقول و فراگیر از آزادی در یک چهارچوب خردورانه و دموکراتیک، و بازتاب آن در افکار و رفتارهای اجتماعی، مذهبی و سیاسی و فرهنگی خود و نا-آرامی و شورش، راهزنی در میان ایلات و شهرستانها و مرزها و نیز وجود نداشتن احزاب بادوامتر و با برنامه-ترکه بعد از مشروطه این احزاب مثل قارچ از زمین سبز شده بودند و نیز درک نداشتن اینکه از مشروطه چه چیزی را می‌خواهند و همچنین تضاد میان مدرنیته و اسلام، و ناسازگاری فلسفی میان این دو مکتب فکری، به طوری که با ورود یکی خروج کامل دیگری را می‌طلبید و با انواع اتهام زدن، تکفیر و لقب‌گذاری حتی در میان اندیشمندان و نیز گرایش به خودمختاری و خان‌خانی و فتنه و آشوب و نیز وقوع جنگ جهانی اول و ورود نیروهای مهاجم به کشورمان؛ و نیز بیشتر نمایندگان این دوره‌ها (۴ دوره) بر ضرورت وجود سلطنت به عنوان تنها نهاد حافظ نظام سلطنتی و مصونیت مالکیت خصوصی، تأکید می‌وزریدند و اکثر این نمایندگان از طبقه بالایی جامعه بودند و باگرداندن دستگاه حکومتی و رجال سیاسی پیوندهای خانوادگی داشتند و بدین خاطر از امتیازات خاصی بهره مند می‌شدند (ازغندی، ۱۳۷۴: ۷۳۱) باعث شد که بالاخره ناسازگاری میان عوامل یاد شده و عدم پابندی به اصول دموکراسی، اقتدارگرایی قاجارها دوباره برقرار شود و هنگامی که

سعی کردند کشور را از سیستم ظالمانه شاهنشاهی و استبداد قاجار رهایی بخشند آنقدر در پی حذف و تخریب و نابودی و ترورشخصیت یکدیگر کوشیدند که در نهایت با استبداد و اقتدارگرایی رضاخان روبرو شدند (سریع القلم، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

نقش قرارداد ۱۹۰۷ را باید در انحراف و انحطاط مشروطیت بسیار مؤثر دانست، بیم و هراس دو نیروی سطله طلب روس و انگلیس موجب گردید که آن دو کشور به جهت نیاز به ایجاد اعتلاق در مقابل آلمان، در مورد مسائل مستعمره با یکدیگر به توافق بپردازند اگر روس ها در بمباران مجلس اول در کنار محمد علی شاه قرار گرفتند، در زمان فعالیت مجلس دوم روس و انگلیس در پی اولتیماتوم سال ۱۹۱۱ م، موجب تعطیلی مجلس و اخراج دو نیروی مستعد و کارآمد خارجی یعنی سرهنگ یالمارسن سوئدی و مورگان شوستر آمریکایی شدند.

بمباران مجلس اول که موجب شهادت و فرار سران مترقی و کارآمد مشروطه گردید با اولتیماتوم به مجلس دوم عده کمی از نیروی صادق و مشروطه خواه را هم به کنار انداخت در واقع از شروع مجلس سوم کارگزاری در رأس کار قرار گرفتند که مشروطه خواه نبودند و تنها به نام و لفظ مشروطه خود را وصل می کردند و به ظاهر از مشروطه سخن می گفتند، رجال پیشین و کهنه قاجاری که به عنوان مخالفان مشروطه در مقابل مردم قرار گرفته بودند این بار به نام مشروطه دوباره بر مسند قدرت قرار گرفتند آنانی که مجلس اول، القاب و عناوین آنها را برانداخته بود دوباره با همان القاب و عناوین بر سر کار آمدند الهیار خان آصف الدوله که در فروش سیصد دختر قوچانی، یکی از مخالفان مشروطه بود، از دوره مجلس سوم، به مقام صدر اعظمی دست یافت.

محمد ولی خان تنکابنی (سپهدار اعظم) که در دوره استبداد محمدعلی شاهی دارای مقادیر زیادی از ضیاع و عقار در مازندران شده بود در صف مشروطه طلبان قرار گرفت، عبدالمجید میرزای عین الدوله که چهره های سفاک و تبهکار در دوره قبل از مشروطیت بود بعدها در عصر مشروطیت به ظاهر مشروطه، به مقام صدر اعظمی دست انداخت، سعدالدوله، قوام الدوله، مشیرالسلطنه، و... از زمره همین افرادی بودند که با حفظ دیدگاه و موقعیت اجتماعی خود، این بار بر سر سفره میراث مشروطه نشسته بودند اگر در مجلس اول و دوم مشروطه یکی پس از دیگری مردان آزاد اندیش و رجال ترقی خواه قسمت اعظم از نمایندگان مجلس را به خود اختصاص داده بودند ولی از دوره سوم مجلس، تعداد رجال آزادی خواه و طرفدار واقعی مشروطیت به سختی از تعداد انگشتان دو دست می گذشت بهترین دلیل برای اثبات این ادعا، مخالفت تعداد اندکی از وکلای مجلس نسبت به عقد معاهده ننگین قرار داد ۱۹۱۹ و ثوق ادوله بود، بنابراین انحراف و انحطاط تا به

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

جایی رسیده بود که صدراعظم دولت مشروطه می کوشید تا در طی یک قراردادی سری و به دور از وکلای مجلس، ایران را تحت الحمایه دولت استعماری انگلیس درآورد.

در این دوره روشن فکران در رویارویی با غرب سه راه را در پیش گرفتند: دسته ای چاره را در پذیرش بی-کم و کاست فرهنگ و تمدن غربی دانستند و دسته دیگر به انکار و رد کلی فرهنگ و تمدن غرب پرداختند و دسته سوم به راه میانه و رویارویی گزینش گرانه پای فشرده (حسن زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۲)

علوی تبار، روشن فکران دینی در این دوره را با ویژگی های زیر نمایان می سازد: بازگشت به صدراسلام، محکوم کردن سنت گرای کورکورانه، طرفداری از وحدت مسلمانان، مبارزه با استبداد و پذیرش اصول فلسفه جدی و پذیرش علم و اعتقاد به مغایرت نداشتن دین با علم. (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

پارادایم مورد نظر روشن فکران در این دوره نیز همان عقب ماندگی بود و برای رفع آن و دستیابی به ترقی چندین روش را مورد نظر قرار دادند: ۱- اصلاح دربار و حذف بعضی از شخصیت های وابسته به دربار ۲- اصلاح و در نهایت تغییر حاکم ایالات و ولایات ۳- برخورد با پادشاه ۴- تأسیس نهادهای اجتماعی جدید که باعث باسوادی همه طبقات جامعه از فرزندان اشراف گرفته تا توده می شد، ۵- امنیت شهرها و ولایات از طریق نزدیکی به دولت های خارجی انگلیس و روسیه (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۷)

موارد موفقیت مشروطه خواهان در نظام ایلیاتی ایران

بعد از مشروطه یک نظام دانایی متفاوت در ایران شکل گرفت و صورت بندی معرفتی در دوران مشروطیت فضای چند بعدی دارد: فرد به عنوان ابژه و سوژه حقوق و حق از منزلتی خاص برخوردارگشت، امنیت، قانون، ملت، وطن و آزادی در کانون هر نوع گفتمان روشن فکری و سیاسی قرار گرفت پیشرفت مادی اصلاح حکومت، دموکراسی، جمهوریت و مشروطت شعار هر انجمن و حزبی گردید، و انسداد و بسط نفوذ بیگانگان، سوگیری برجسته و نقطه تلاقی تمامی تشکل های سیاسی شد و به طور کلی سه حوزه معرفتی در این صورت بندی و ساخت و بافت ترکیبی مشاهده می شود: ۱- لیبرالیسم انگلیس و فرانسه، ۲- اندیشه ی عدالت خواهانه روسیه، ۳- اندیشه های اتحاد اسلامی (تاجیک، ۱۳۸۲: ۸۲)

بعد از انقلاب مشروطه مجلس نقش خودکامگی شاه را تا حدود زیادی محدود کرد و آن خدایی بودن این مقام را به زمینی کشاند، اما حاکمان قدیمی نخواستند در حاکمیت کسی به غیر از افراد مورد اعتماد دربار کسی را راه بدهند و در نتیجه با جنگ بین حاکمانی قدیمی و حاکمان جدید، دوباره نظام کهن احیا شد اما با پیروزی آزادی خواهان دوباره نظام توده ها پدیدار شد، بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده در این دوره

حاکمان سنتی جایشان را به حاکمان دادند که لقب خواص به خود اختصاص دادند و نه تنها مقامات تصمیم گیری و اجرایی مهم دولتی را به دست آوردند بلکه با ازدیاد تعداد خود توانستند به عنوان یک گروه مرجع شناخته شوند، این حاکمان به چند دسته تقسیم شدند: نخست پیشگامان که اندیشه ترقی و قانون را مطرح کردند و بیشتر از خانواده های سرشناس بودند و سعی کردند از درون دستگاه حکومتی دولت مستبد قاجار را متحول کنند و برخی نیز در برابر دولت قرار گرفتند و به عنوان روشن فکر به مبارزه پرداختند، تجدد طلبی ایرانیان در این مرحله اصلاح سازمان حکومتی و سیاسی کشور و ترقی قانون از اهداف آنها بوده است و بعد از این مرحله اخذ تمدن غربی بدون تصرف ایران از اهداف روشن فکران این دوره می شود (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۵۰)

احمد اشرف معتقد است که انقلاب مشروطه فکر آزادی و دموکراسی را وارد جامعه روشن فکری ایران کرد و یک جناح بالنسبه به نام روشن فکران را به وجود آورد که آنها هویت ملی را هویت شهروندان آزاد ایرانی می دانند و بر ایند ناحق حاکمیت ملت را که در دستگاه های حاکم در یک قرن اخیر غصب شده بود به صاحبان اصلی آن یعنی جامعه مدنی بازگرداندند (تاجیک، ۱۳۸۲: ۸۶)

در کل اگر مشروطه خواهان را در تحقق تمامی اهداف آنها ناکارا و ناکارآمد بدانیم سخن منصفانه ای نگفته ایم زیرا اگر مشروطه خواهان در تحقق اهداف خود ناکام بودند دلیلی نداشت تا محمدعلی شاه در ماجرای پارک اتابک و بمباران مجلس اول به کشتار و آزار نمایندگان مجلس و مشروطه خواهان بپردازد و یا در مقابل نیروهای گیلان، آذربایجان و بختیاری به مقابله و مبارزه همت کند، مشروطه خواهان در مجلس اول توانستند به تنظیم بودجه بپردازند و دخل و خرج مملکت را سامان دهند، امتیاز تیول داری را لغو کنند و حقوق شاهزادگان را تعدیل کنند و قانون اساسی مترقی و نسبتاً جامعی را تنظیم و تصویب کنند و قطعاً اگر حوادث خارجی به گونه ای دیگر رقم می خورد شاید نهضت مشروطیت هیچ گاه ناکارا و ناکارآمد نمی شد.

زمینه های انزوای انقلاب مشروطیت

اختلاف شدید مراجع بزرگی چون بهبانی و طباطبایی با شیخ فضل الله نوری که در واقع علمای بزرگ آن زمان بودند که این اختلاف منجر به دارکشیدن شیخ فضل الله نوری شد و باید گفت که اگر ملک المتکلمین و سید جمال الدین واعظ و میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل را استبداد از بین برد اما شیخ فضل الله را مشروطه از بین برد (رضوانی، ۱۳۵۸: ۱۳)

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

۱- مرکز نقل اندیشه‌های ملکم‌خان و سایر اعضای فراموش خانه شده براین باور بودند که نبودن نظام اداری در ایران، باعث عقب افتادگی مطلق کشور شده و انقلاب مشروطه نتوانسته این عقب ماندگی ها را جبران و یا حتی ترمیم کند. (تاجیک، ۱۳۸۲: ۹۰)

۲- درآستانه انقلاب مشروطه بیش از دویست انجمن وجود داشت، پدیده ای که اگر از سویی، علامت دامنه رخنه جنبش است از سوی دیگر نشانه تفرقه نیروها را باعث می‌شد، یکی از اعضای مدیر جامعه آدمیت یعنی عون الممالک در نامه های خود این تفرقه را موصول داعیه ریاست طلبی شمرده است .

۳- به تصحیح قیصری: نهضت مشروطه ایران تا حدی به اشاعه و ترویج حقوق فردی در جامعه موفق شد اما در نهادینه کردن این حقوق و یا تثبیت آن در فرهنگ سیاسی آن شکست خورد به دنبال این شکست بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی اجتماعی متعاقب آن و پیامدهای مخاطره آمیز جنگ جهانی اول، نسبت به استقلال و تمامیت ارضی ایران، گرایش به سوی حکومت مقتدر در کشور افزایش یافت، تا جایی که بسیاری از روشن فکران که از نهضت مشروطه پشتیبانی کرده بودند به امید نجات ملی و رهایی از آشوب به استقلال حکومت رضا شاه شتافتند. (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۱۱)

۴- کاتوزیان می‌گویند: پس از پیروی مشروطیت، برای استقرار قانون، آنچه سیاست حذف خوانده‌ام یعنی تمایل عملی هر حزب برای حذف رقبای خود که از ویژگی های بارز تاریخ ایران سده بیستم است، نخست میان مشروطه خواهان و بقایای رژیم قدیمی، و سپس در میان خود مشروطه خواهان به کار افتاد و در مراحل آغازین این ستیز ویرانگر و جنگ برای حذف یکدیگر بود که عبدالرحمن طالبوف از سرشناس‌ترین اندیشمندان جنبش مشروطه بر جنگ گرایشهای هرج و مرج طلبانه فریاد برآورد و پس از یک ماه از امضای مشروطیت عواقب این کار بر همگان گوشزد کرد. (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

۵- انقلاب مشروطیت با همه آرایه های که از اروپای نو به خود بسته بود پیامدهایی داشت که بیشتر با برخورد سنتی دولت و ملت، برخورد یک حکومت غیر مسئول و یک جامعه حکومت ناپذیری هم خوانی داشت به نحوی که هیچ یک از جناهای انقاب آماده پذیرش یک شیوه همزیستی در راستای اصول حکومتهای قانون اروپا نبود... نتیجه شکاف میان حکومت و مردم تحت حکومت ادامه یافت. چنانکه قانون در میان بخشهای بزرگی از جامعه آرام آرام به معنی آزادی گرفته شد و آزادی نیز به ندرت از لجام گسیختگی متفاوت انگاشته شد، شگفت نیست که مشروطیت بیش از ۱۵ سال دوام نیاورد. (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۸۰)

۶- به رغم تلاش مشروطه خواهان در گذار از یک جامعه مبتنی بر استبداد و حکومت شخص به یک جامعه مبتنی بر قانون و مشروطیت، اقتدار شاه همچنان امری محتوم و مفروض باقی ماند که هم یحیی دولت

آبادی و هم شایگان شاه دیکتاتور را باعث سقوط دموکراسی مشروطیت در ایران می داند(دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۵۳)

۷- در پایان وضع نابسامان ایران آن‌روز و عدم پویایی جنبش مشروطیت، اصلاح طلبان و روشن‌فکران زمانه را به این نتیجه رساند که نباید تکیه بر اکثریت و حکومت‌های پارلمانی نمود و باید یک صاحب‌فکر نو، زمام امور حکومت را از دست بگیرد و با یک عمل تازه خاتمه به این وضعیت بدهد. اگر می‌خواهید سدهای راه ترقی را از میان بردارید ... دیکتاتور عالم تولید کنید(مشفق، ۱۳۷۴: ۱۱-۳)

نتایج و پیامدهای مثبت انقلاب مشروطه

اگر چه مشروطه نتوانست اهداف متعالی و ارزنده‌ی خود را جامه‌ی عمل بپوشاند و در راه استقرار مطالبات ملی و قانونی ناکام ماند ولی این ایده‌ها و شعارهای مشروطه خواهان در جامعه زنده ماند اگر چه در دوره‌ی سلطنت احمد شاه رجال بی‌کفایت و نالایق خود را به مشروطه خواهی معرفی می‌کردند و به صدر حکومت می‌رسیدند ولی اهداف زنده و پویای مشروطه آنان را که در راه تحقق آنان فاقد لیاقت و توانمندی بودند در پیش چشم مردم فاقد مشروعیت می‌ساخت، استعفا‌ی پی‌درپی کابینه‌های این دوره از تاریخ معاصر، بیانگر عمق و ریشه‌یابی اهداف مشروطه خواهان بود اگر مشروطه نتوانست به روابط حاکم بین دولت و مردم مودت و یگانگی را عرضه کند اما همواره مردم را در تحقق اهداف مشروطه خواهان مصمم ساخت، مشروطه اگر چه در پی تلاش مردم برای تحقق ناسیونالیسم برپا شده بود ولی هنگامی که با توافق و اتحاد دو استعمارگر خارجی مواجه شد، نفرت و انزجار از استعمار را فراگیر ساخت، مشروطیت ناسیونالیسم را در میان بدنه اجتماع عمق بخشید و موجب گردید که از میان طبقه سوم یعنی تحصیل کرده‌ها، روشن‌فکران و قشر نوپای بازاری افرادی قد علم کرده و در صدد ایجاد حاکمیت ملی برآیند.

تحولات پس از مشروطه نشان داد که نمی‌توان با تکیه بر استعمار خارجی و استبداد داخلی، اهداف مشروطیت را در ایران حاکم ساخت بلکه تنها راه تأمین حقوق اجتماعی و منافع ملی ما تلاش برای استقرار یک دولت ملی جهت حصول به منافع ملی است همین امر عده‌ای چون میرزا کوچک، شیخ محمد خیابانی و کلنل پسیان را به فکر مبارزه با نیروهای ارتجاعی حاکم بر تهران انداخت، مشروطه اگر چه نتوانست ایده‌ها و شعارهای دوران مبارزه را در ایران تثبیت کرده و بر ارکان جامعه استوار سازد ولی به مطالبات مردم در عمق و سطح گسترش بیشتری بخشید و یک جریان مصمم و قاطع را به نام ناسیونالیسم ایرانی در جامعه خلق و ابداع کرد.

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

اگر چه رضا خان خود را ناسیونالیست می‌نامید و در واقع نماینده‌ی تحقق مطالبات امپریالیسم سرمایه در ایران و نماینده‌ی منافع سرمایه‌داری وابستگی در ایران بود ولی ناگفته نماند وجود این بستر مناسب او را در نیل به اهدافش موفق ساخت. مشروطیت را باید نقطه‌ی عطفی در روابط بین حکومت و ملت دانست. از دوره مشروطیت، مبانی مشروعیت سلسله‌های ایرانی که قبلاً بر پایه‌ی فره‌ی ایزدی و نمایندگی خدا بر زمین استوار بود را با تردید مواجه ساخت، پیدایش ناسیونالیسم و رشد فزاینده‌ی مطالبات مردم در کنار تبیین این هدف ملی که می‌دانستند چه می‌خواهند ولی نمی‌دانستند که چگونه بخواهند، به تدریج مشروعیت پیشین حکومت‌ها را به چالش گرفت و تنها راه میانی مشروعیت در راه تحقق اهداف ملی و تامین منابع عمومی قرار داد، این تغییر نگرش از مشروعیت سنتی به مشروعیت مدرن که نقطه‌ی شروع آن از دوره مشروطیت می‌باشد موجب گردید که از حکومت مشروطیت زدایی شود و به جای تفکر سنتی پیشین که اطاعت از حکومت را در کنار واجبات دینی می‌دید، از این دوره به بعد مبانی مشروعیت حکومت را بر پایه‌ی چگونگی تعامل بین حکومت و مردم قرار دهد، اگر قبلاً رابطه‌ی حکومت و مردم در مسیر یک رابطه‌ی عمودی بود و حکومت از مردم ارادت و اطاعات را طلب می‌کرد بعد از مشروطه رابطه‌ی بین حکومت و مردم در مسیر رابطه‌ی افقی قرار گرفت یعنی زمانی مشروعیت حکومت تامین می‌شد که حکومت در پی تحقق حقوق شهروندی، استقرار قانون و حاکمیت نظم و عدالت اجتماعی باشد بدین ترتیب می‌توان به مشروطه نگاه موثر و مثبتی داشت.

بنابراین اگر چه نهضت مشروطه تاحدی به اشاعه و ترویج حقوق فردی در جامعه ایران موفق شد اما در نهادینه کردن این حقوق و تثبیت آن در فرهنگ سیاسی ایران شکست خورد و به دنبال این شکست بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی اجتماعی (مانند تنش‌های فرهنگی و آیینی و قومی در میان ایرانیان) و فقدان تجربه تاریخی نهادهای ملی و نیز اصولگرایی سنتی، ناهمخوانی متن به عاریت گرفته شده از غربیان با بستر استبدادزده جامعه ایرانی، پیامدهای مخاطره آمیز جنگ جهانی اول نسبت به استقلال و تمامیت ارضی ایران، کم کاری و عوام فریبی احزاب و زد و خورد آنها با همدیگر، و احساس تاسف از حوادث بعد از مشروطه، ناامیدی از رجال ملی و ناکارایی دستگاه مشروطه، (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۱۲-۱۱۱) تغییرات پی در پی کابینه‌ها، بحران مالی، فعال شدن نیروهای گریز از مرکز، تندروی‌های وکلای مجلس مشروطه و مخالفت‌های غیر منطقی آنان با علما (آل احمد، ۱۳۵۷: ۲۵) ضعف نیروهای اجتماعی درگیر انقلاب مشروطه، فقدان حضور مردم در تحولات بعد از مشروطه، عدم شکل‌گیری نیروهای اجتماعی جدید مدافع مشروطه، همکاری استعمار با نیروهای سنتی داخلی حافظ استبداد با برنامه (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۲۰۰) گرایش به سوی استقرار حکومت مقتدر در

کشور افزایش یافت و بسیاری از روشن‌گران که از نهضت مشروطه پشتیبانی می‌کردند به امید نجات ملی و رهایی از آشوب به استقلال حکومت رضاشاه شتافتند، به هر حال مشروطیت موفق به جا انداختن نهادهای خود در جامعه و ایجاد تحولات متناسب با آرمان‌های خود نشد و چرخه‌ی همیشگی دولت در ایران یعنی: استبداد - آشوب - فتنه - استبداد. تکرار و بالاخره کاربه روی کار آمدن رضاشاه و برقراری دیکتاتوری به اصطلاح اصلاح‌گر رسید (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۱۸)

نتیجه

هرچند انقلاب، طلیعه بازسازی ملی تلقی شد اما به واقع پانزده سال آشفتگی اجتماعی به دنبال داشت در این زمان طبقه روشنفکران جدید از سوی برخی اقلیتهای مذهبی حمایت می‌شدند اما بر سرپاره‌ای مسایل مانند اصلاحات ارضی، مالیات‌های تصاعدی، نقش مذهب در سیاست، حقوق زنان و موقعیت غیر مسلمانان در ایران، رودرروی طبقه متوسط سنتی قرار گرفتند (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۴۹)

در این دوران مجموعه جامعه و صاحبان قدرت با مفاهیم کلیدی مانند: رقابت، اندیشه متفاوت بودن انسانها، تحمل دیدگاه‌های مختلف، ملی‌گرایی اقتصادی، قانون‌گرایی، تعلق خاطر به جامعه، ظرفیت تفکیک مسایل ملی از شخصی، قضاوت منطقی و منصفانه، وفاداری به اهداف جمعی، نظام آموزشی عقلانی، صراحت و شفافیت در بیان، استقلال رأی افراد، پدیده شهروندی، خشونت زدایی در کار جمعی، تساوی حقوق، امنیت اجتماعی و فردی، اتکا به اهتمام خود، روش‌های عقلانی و حقوقی حل اختلافها، مهارت در سیستم سازی، رفتار قاعده‌مند و معاشرت معتدل شهروندان، حداقل آشنایی را پیدا کردند (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۵)

بعد از مشروط دو حزب در مجلس بوجود آمد: یکی حزب دموکرات و دیگری حزب اعتدالیون. حزب اعتدالیون بیشتر اعضای آن علما بودند و شاهدگان و اشراف و اعیان و بزرگان و مالکان هم جزء این حزب بودند و محافظه کارتر از حزب دموکرات بود، حزب دموکرات از اعضای انقلاب تشکیل شده بود و مرامنامه آنها بیشتر بر انفکاک کامل قوه سیاسی از روحانی، ایجاد نظام احیای تقسیم املاک بین رعیا، قانون منع احتکار، تعلیم اجباری، تاسیس بانک فلاحتی و ترجیح مالیات غیرمستقیم بر مستقیم و مخالفت با مجلس اعیان، اصلاح ساختار حکومت، عرفی کردن دولت و جامعه بود که روزنامه رسمی آنان هم مجاهد نام داشت که سخنگوی طبقه روشنفکر جدید بود (بهار، ۱۳۷۰: ۱۰)

اما اعتدالیون از اهداف اشرافیت زمیندار و طبقه متوسط سنتی پشتیبانی می‌کردند، این احزاب هم تا قبل از جنگ جهانی اول و اشغال ایران و تا ورود رضاخان به صحنه سیاسی ایران بعد از کودتا بکلی برچیده

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

شد. (بهار، ۱۳۷۰: ۱۲) البته دموکرات ها به دلیل مرامنامه و همچنین انقلابی بودنشان هر چند موردحمله علما قرار می گرفتند ولی درمیان مردم طرفداران زیادی داشتند.

مطبوعات نیز در دوران انقلاب مشروطه و بعد از آن هم بسیارفعال بودند شمار روزنامه ها و مجلات بسیار زیاد شد که گرایش اکثر آنها ملی گرایانه و انقلابی بود.

در کل روشن فکران: آزادی خواهی و استقرار قانون و حقوق مردم را مطرح کردند ، علما با رهبری و هدایت مردم، نقش اصلی را در راه اندازی جریان مشروطیت بازی کردند و بازرگانان کسبه، حمایت مالی برقراری تجمع ها را بر عهده داشتند و نیز ناتوانی نظام سیاسی و ورشکستگی آن ، بحرانهای مالی ، نارسایی و ناهماهنگی با خواسته های مردم به عنوان عامل زمینه ساز در تسریع حوادث، و تسلط بیگانگان بر شریانهای داخلی کشور ، اکثر طبقات مردم را ناراضی ، پایه های دولت را متزلزل و زمینه را برای حرکت مردم به رهبری علما آماده کرده بود (امیری، ۱۳۸۳ : ۹۲)

در جمع بندی از بحث درباره پیامدهای منفی و مثبت مشروطه باید به طور خلاصه گفت که اگر چه نتوانسته به علت اتحاد دولتهای استعمارگر روس و انگلیس اهداف واقعی مردم را برآورده سازد و در مسیر راه با کج روی، کج اندیشی و حاکمیت عناصر ناکارآمد و رجال دوره استبداد از تکاپو باز ماند و همین امر موجب گردید تا قیام های ملی چون نهضت جنگل، قیام آذربایجان و قیام خراسان تشکیل شود ولی اهداف مشروطه هیچ گاه دچار رکود و رخوت نگردید، تشکیل حکومت ملی، تغییر بنیان مشروعیت، ایجاد مدارس جدید و کسب علوم، اجرای قانون، تنظیم قانون اساسی مدرن، رعایت حقوق شهروندی، استقرار حکومت قانونمند و مردم سالار و... از عمده ترین اهدافی بودند که حتی در ادوار پس از مشروطه هم از فضای فکری و ذهنی جامعه ایران محو و ناپدید نشدند باید گفت نباید علی رغم کسری ها، سستی ها و ناکارآمدی و لغزش رجال پس از مشروطه، مشروعیت بشماریم بلکه مشروطه توانست پیامهایی را با خود به جامعه ایران حمل کند که گسترش و تعمیق آن پیام ها، مطالبات ملی را در ایران عمق و وسعت بخشید تا جایی که حاکمیت در ایران کوشید علی رغم کارشکنی در راه تحقیق پیام مشروطیت، خود را به مظاهر دولت مشروطه خواه و حامی مشروطیت قلمداد کند و با یک گفته از احمد اشرف این مقاله را به پایان می رسانیم: انقلاب مشروطه فکر آزادی و دموکراسی را وارد جامعه ی روشنفکری ایران کرد و یک جناح بالنسبه نیرومندی پدید آورد که در جریان های گوناگون متجلی شد. (تاجیک، ۱۳۸۲: ۸۶)

منابع و مأخذ

- ۱- آبراهامیان، ی، (۱۳۷۶) مقالاتی در جامعه شناسی ایران، مترجم سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر پژوهش شیرازه، چاپ اول
- ۲- آجدانی، ل، (۱۳۸۵) علما و انقلاب مشروطیت ایران، تهران: نشر اختران، چاپ دوم
- ۳- آجدانی، م، (۱۳۸۷) مشروطه ایرانی، تهران: نشر اختران، چاپ نهم
- ۴- آزادارمکی، ت، (۱۳۸۰) مدرنیته ایرانی (روشنفکران و پارادایم عقب ماندگی در ایران) تهران: نشر اجتماع، چاپ اول
- ۵- آل احمد، ج، (۱۳۵۷) در خدمت و خیانت روشن فکران، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ اول
- ۶- ازغندی، ع، (۱۳۷۴) «بازیگران رسمی قدرت سیاسی ایران عصر پهلوی»، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۴ (زمستان)، ۹۵۹-۹۹۵
- ۷- ازغندی، ع، (۱۳۷۴) «تاثیر نخبگان قاجاریه بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران»، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۳ (پاییز)، ۷۳۵-۷۰۳
- ۸- امیری، ج، (۱۳۸۳) روشنفکری و سیاست (بررسی تحولات روشنفکری در ایران معاصر)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول
- ۹- ایمان، م، (۱۳۸۸) مبانی پارادایمی روشهای کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، قم، موسسه چاپ زیتون، چاپ اول
- ۱۰- بشیریه، ح، (۱۳۸۹) موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: انتشارات گام نو، چاپ هشتم
- ۱۱- بهار، ا، (۱۳۷۰) تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، جلد یک و دو، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم
- ۱۲- بهنام، ج، (۱۳۸۳) ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: انتشارات فرزانه روز، چاپ دوم
- ۱۳- تاجیک، م، (۱۳۸۲) تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ اول
- ۱۴- حائری، ع، (۱۳۶۴) تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم
- ۱۵- حسن زاده، ا، (۱۳۷۹) کسروی و مدرنیته، مجلات فلسفه «کلام و عرفان»، شماره ۱۹-۱۸ (پاییز و زمستان)، ۱۴۹-۱۳۱
- ۱۶- دلاور، ع، (۱۳۸۰) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول

تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن

۱۷- دولت آبادی، ی (۱۳۶۱). تاریخ معاصر ایران، تاریخ یحیی، ج ۲، تهران: انتشارات فردوسی و عطار چاپ دوم

۱۸- رضوانی، م، (۱۳۵۸) انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشارات ابن سینا

۱۹- سرمدب، (۱۳۷۶) روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگه، چاپ اول

۲۰- سریع القلم، م، (۱۳۸۶) فرهنگ سیاسی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول

۲۱- سریع القلم، م، (۱۳۹۰) اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار، تهران: انتشارات فرزانه روز، چاپ اول

۲۲- طلوعی، م، (۱۳۷۴) بازیگران عصر پهلوی (از فروغی تا فردوست) جلد اول و دوم، تهران: انتشارات علم، چاپ سوم

۲۳- قیصری، ع، جهاننگلو، (۱۳۸۱) روشنفکری در ایران (گفتگوی تمدنها و روشنفکری، مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها) تهران: نشر توسعه، چاپ اول

۲۴- کاتوزیان، م، (۱۳۸۴) دولت و جامعه در ایران (انقراض قاجار و استقرار پهلوی)، ترجمه حسن افشار، تهران: انتشارات نشر مرکز، چاپ چهارم

۲۵- کسروی، ا، (۱۳۸۵) تاریخ مشروطه ایرانی، تهران: انتشارات نگاه، چاپ سوم

۲۶- مشفق، کاظم، (۱۳۷۴) انقلاب اجتماعی، لزوم ظهور دیکتاتور، نامه فرهنگستان، شماره یک، ۳۲-۳۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی